

موضوع شناسی بدعت

نرگس سادات ایوب نژاد^۱، مولود گرمرودی ثابت^۲، حسین احمری^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی-فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد مشهد

^۲ استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

^۳ دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده

بدعت حکمی است که به دین افزوده و یا از آن کاسته شود، بدون اینکه مستندی از کتاب یا سنت داشته باشد. خداوند متعال دین خود را کامل و بی‌هیچ گونه کاستی به آدمیان هدیه فرموده است و جایی برای افزودن یا کاستن در آن نگذاشته است و اعلام فرموده که دین خالص تنها از آن خداست و تنها همان را می‌پذیرد. با این همه، همواره کسانی بوده‌اند که آگاهانه یا ناآگاهانه آنچه را در دین نبوده است، به آن نسبت داده‌اند و در دین بدعت گذاشته‌اند. این مقاله به موضوع شناسی بدعت و ابعاد مختلف آن پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: بدعت، بدعت گذاری، سنت، دین.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین خطراتی که همواره ادیان الهی را تهدید می‌کند، خطر افزودن بر دین یا حذف بخشی از آن برای رسیدن به هواهای نفسانی توسط پیروان بوده است. از این رو، رسول خاتم (ص) برای جلوگیری از چنین خطری، بدعت در دین را گمراهی و جایگاه بدعت گذار را جهنم دانسته است تا هر کس چیزی را بر دین نیفزاید یا از آن نکاهد و این اعلام خطر و بازدارندگی، عاملی برای محافظت از دین خدا در طول تاریخ اسلام گردد. اما با کمال تأسف، همین عامل بازدارنده، خود وسیله سوء استفاده برخی جریانات فکری متحجرانه شده است؛ به گونه‌ای که هر نوآوری مشروع و تحت ضوابط اجتهادی را بدعت می‌دانند و مخالفان خود را سرکوب می‌کنند. از این رو، شناخت معنا و مفهوم بدعت، کاری است بایسته تحقیق که به آن می‌پردازیم.

۲- ادبیات تحقیق**۱-۲- پیشینه ی بدعت گذاری**

سوابق پیدایش بدعت با مطالعه در منابع تاریخی بدعت به قبل از اسلام برمی‌گردد اما با توجه به این که حوزه موضوع، در فقه اسلامی است شروع شکاف های فرقه ای- مذهبی، از همان زمان پیامبر(ص) هرچند به ظاهر نبوده ولی بعد از رحلت ایشان نمایان شده و گسترش یافته است. چنانچه نخستین بدعت که ریشه همه تجدد طلبی های دینی بود، به وجود آمد و به سفارش ایشان درباره وصایت و خلافت امام علی (ع) عمل نشد و منصب خلافت در سقیفه با کنار گذاشتن دیگر سنت ها و به جای نهادن بدعت ها، کاری آسان بود. بدین سان که دین خدا دستخوش نخواستی ها و در تیررس بدعت ها قرار گرفت. (حسینی، ۱۳۸۱:۹)

بعد از پیامبر(ص) و در طی عصر صحابه دو جریان در عرض یکدیگر قابل شناسایی بودند که تا عصر تابعین دوام یافتند. در رأس جریان قوی تر، شخصیت هایی چون امام علی(ع)، ابن مسعود، ابن عباس و عبدالله بن عمر قرار داشتند که از اعتبار دادن به سنتی جز سنت نبوی(ص) روی گردان بودند و جز آنچه پیامبر(ص) نهاده بود هر رسمی را بدعت می شمردند و جریان موازی آن، کسانی بودند که بر اعتبار سنت خلفا تأکید داشتند و بدعت را نقطه مقابل سنت پیامبر(ص) و خلفای راشدین می شمردند. در دوره تابعان از آنجا که آرای موافقان صحابه خود همانند منبعی برای دریافت سنت و رسیدن به فتوا مورد توجه عالمان قرار گرفت مسأله بدعت شکلی پیچیده یافت. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳:۵۶۲)

بدعتهایی که در زمان خلفای راشدین شکل گرفت و در میان مردم رواج یافته بود، در عصر خلافت علی(ع) زمینه ساز مشکلاتی در حکومت آن حضرت بود. در خطبه های گوناگون منقول از امام علی (ع)، پیروی از بدعتها و دنباله روی بدعت گزاران، عامل اصلی شکل گیری فتنه ها و رخداد جنگ های عصر آن حضرت بوده است. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳:۵۶۷) ایجاد فرق شیعه و سنی از بطن اسلام، موجب ظهور گروه ها و نحله های دیگر از این فرق با عقاید و افکار خودسرانه و جاهلانه شان شد؛ لذا آنها از صدر اسلام و همان قرن اول هجری ضربه مهلکی را به دین اسلام و مخدوش کردن شریعت دینی وارد نمودند و تاکنون گروهی از آنها با افکار و عقاید باطل و انحرافی باقی مانده اند.

۳- روش تحقیق

این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استخراج مطالب از منابع کتابخانه ای، مقالات و سایت های اینترنتی مرتبط با موضوع به بررسی ادبیات تحقیق و یافته های آن پرداخته شده است و در نهایت با بررسی دیدگاه ها و نظرات مختلف به جمع بندی و نتیجه گیری منجر می گردد.

۴- یافته های تحقیق**۱-۴- موضوع شناسی:**

منظور از موضوع شناسی این است که ابعاد و زوایای یک گزاره فقهی غیر از آنچه محمول فقیه است و به عنوان حکم نامیده می‌شود مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، از این رو موضوعات، قیود و شروط، ماهیت و عناصر تشکیل دهنده موضوع بررسی می‌شود.

قلمرو موضوع شناسی احکام بسیار گسترده و پهناور است. در همه فقه تعاریف، اقسام و شروطی مطرح شده است، زمانی که در این رابطه موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد بقیه مسائل موضوع شناسی نامیده می‌شوند. موضوع در مرتبه پیش از حکم و به منزله علت آن است. تا فقیه، موضوع را به درستی نشناسد و اقسام آن را تشخیص ندهد، روا نیست، حکمی را بر آن بار کند. هر چه دامنه آگاهی‌های فقیه گسترده تر و آشنایی وی با دانش‌های رایج زمان خود، بیشتر باشد، موضوع‌ها و رخداد‌های زمان را بهتر تشخیص می‌دهد و دریافتن حکم آن‌ها تواناتر خواهد بود

۴-۲- موضوع شناسی بدعت

۴-۲-۱- بدعت در لغت

بدعت در لغت به معنای کار نو و بی سابقه است، و معمولاً به کار بی سابقه ای گفته می‌شود که بیانگر نوعی حسن و کمال در فاعل باشد. «بدیع» به معنای کار یا چیزی نو و بی سابقه است. این واژه هرگاه درباره خداوند به کار رود به معنای این است که خداوند جهان را بدون استفاده از ابزار و بدون ماده پیشین و بدون اینکه از کسی الگوبرداری کرده باشد، آفریده است.

«خلیل بن احمد»^۱ در تعریف «بدعت» می‌گوید:

«احداث شیء لم یکن له من قبل خلق ولا ذکر ولا معرفه» (الفراهیدی؛ ۵۴: ۱۳۸۳)

ایجاد کردن چیزی است که برای آن از قبل خلق و ذکر و معرفتی نبوده است.

خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرَّسُلِ...»^۲ بگو: من پیامبر نوظهوری نیستم...

۴-۲-۲- بدعت در اصطلاح فقها و محدثین

فقها و محدثان، بدعت را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند که نمونه‌هایی از آنها را بیان می‌کنیم:

۱- «ابن رجب حنبلی» می‌گوید:

«البدعه ما أحدث ممّا لا أصل له فی الشریعه یدلّ علیه، أمّا ما كان له أصل من الشرع یدلّ علیه فلیس ببدعه شرعاً، وإن كان بدعه لغه.» (الحنبلی، ۱۶۰: ۱۴۱۹)

بدعت، امر نوظهوری است که برای آن در شریعت، دلیل نباشد که بر آن دلالت کند و اگر دلیلی در شرع وجود داشته باشد، شرعاً بدعت نیست؛ اگرچه در لغت آن را بدعت نامند.

۲- «ابن حجر عسقلانی» می‌گوید:

«البدعه ما أحدث و لیس له أصل فی الشرع، و ما كان له أصل یدلّ علیه الشرع فلیس ببدعه.» (عسقلانی، ۹: ۱۴۰۲)

بدعت امر حادثی است که برای او دلیلی در شریعت نباشد، و اگر دلیلی بر آن در شرع باشد، در این صورت، شرع بر آن دلالت می‌کند که، بدعت نیست.

۳- «سید مرتضی»^۳ (رحمة الله) می‌گوید:

«البدعه زیاده فی الدین أو نقصان منه من إسناد إلى الدین.» (علم الهدی، ۲۶۴: ۱۴۰۵)

بدعت عبارت است از زیاد کردن یا کم کردن از دین، با انتساب آن به دین.

۴- «علامه مجلسی» (رحمة الله) می‌گوید:

۲ احقاف: ۹.

۳ ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی، مشهور به سید (شریف، شیخ) مرتضی علم‌الهدی، از فقیهان برجسته شیعه است. او برادر سید رضی-گردآور نهج‌البلاغه- و از شاگردان شیخ مفید و شیخ صدوق بوده‌است

«البدعه فی الشرع ما حدث بعد الرسول و لم یرد فیہ نصّ علی الخصوص، ولا یكون داخلًا فی بعض العمومات.» (مجلسی، ۲۰۲:۱۴۰۳)

بدعت در شرع، هر امری است که بعد از پیامبر (ص) حادث شود و نص به خصوص بر آن نباشد، و داخل در برخی از عمومات نیز نباشد.

۵- «قاضی عینی»^۱ می نویسد:

«ما احدث ولیس له اصل فی الشرع، وسمّی فی عرف اشرع بدعه، و ماکان له اصل یدلّ علیه الشرع فلیس ببدعه.» (شرف، ۳۷:۱۴۲۱)

بدعت چیزی است که حادث شده و برای آن دلیل و اصلی در شرع نیست که در عرف اینچنین نامیده می شود: چیزی که به عنوان بدعت شرعی یافته است. ولی اگر برای آن اصلی باشد که شرع هم بر آن دلالت کند در این صورت بدعت نخواهد بود.

۶- «نووی»^۲ می گوید:

«البدعه بکسر الباء فی الشرع: هی احداث مالم یکن فی عهد رسول الله (ص)...» (نووی، ۲۲:۱۴۳۰)

بدعت- به کسر باء- در شرع عبارت است از حادث کردن چیزی که در عهد رسول خدا (ص) نبوده است.

۷- «حسن البناء»^۳ می گوید:

«وکل بدعه فی دین الله لا اصل لها- استحسناها الناس بأهوائهم سواء بالزیاده فیہ او بالنقص - ضلاله...»

و هر بدعتی در دین خدا که اصل و اساسی ندارد و مردم آن را به هوای خود نیکو شمرده اند گمراهی است، چه به زیادی در دین باشد یا به نقصان در آن...

۸- «احمد بن علی منجور مالکی» می گوید:

«البدعه .. آتی لاتدخل تحت الاصول و القواعد العامه للشریعه.» (سعدی، ۱۸:۱۴۱۳)

بدعت شامل آن چیزی است که داخل تحت اصول و قواعد کلی شرعی نمی شود.

۴-۲-۳- بدعت از منظر قرآن:

۱. قانونگذاری حق ویژه خداوند است:

از منظر قرآن، تشریح و قانونگذاری حق ویژه خداوند است و کسی بدون اذن او نمی تواند قانونی وضع کرده و دیگران را وادار به اجرای آن نماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۱)؛ حکم و فرمان تنها از آن خدا است و فرمان داده که غیر او را نپرستید، این است آیین پا برجا و استوار.

به قرینه «أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» مراد از واژه «الحکم» تشریح و قانونگذاری است.

۲. پیامبران هم، حق تغییر در شریعت ندارند:

رسول گرامی صلی الله علیه و آله نیز موظف به ابلاغ و اجرای شریعت الهی است و حق هیچ گونه تغییر در قوانین اسلامی را ندارد و در برابر درخواست کفار از حضرت که دین خود را تغییر دهد و یا قرآنی دیگری مطابق میل آنان بیاورد، خداوند به حضرت دستور می دهد که: «قُلْ مَا يَكُونُ لِيَأْنُ أَبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَايَ نَفْسِيَا إِنِ اتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوْحِيَا إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنِ عَصَيْتُ رَبِّي»

۱ محمودبن احمدبن موسی حنفی عینی، مکنی به ابومحمد و ملقب به بدرالدین و فاضل عینی. از متبحرین فقهای حنفی است. وی فقهی است لغوی نحوی که قاضی القضاة دیار مصر بود

۲ نام او یحیی بن شرف بن مرّی بن حسن بن حسین بن محمد بن جمعه بن حزام است. وی در شمار محدثین بزرگ قرار دارد و علماء حدیث او را " حافظ " و آگاه به فنون رجال معرفی کرده اند

۳ بنیان گذار جماعت اخوان المسلمین و نخستین مرشد عام آن در سال ۱۹۲۸ در مصر است که تأثیر بسیار عمیقی بر اندیشه های اسلامی در قرن بیستم گذاشت.

عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (۲)؛ در برابر این پیشنهاد به آنان بگو من حق ندارم که از بیش خود آن را تغییر دهم، فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم:

۳. بدعت رهبانیت و مذمت آن در قرآن:

خداوند تبارک و تعالی، رهبانیت نصاری را که دامی بر سر راه بندگان خدا گسترده اند، بدعت و خلاف شرع دانسته و در مذمت آنان می فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَءَاتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِيقُونَ» (۳)؛ و رهبانیتی که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود ولی حق آن را رعایت نکردند، (و به نام زهد و رهبانیت دام ها بر سر راه خلق خدا گسترده و دیرها را مرکز انواع فساد نمودند) برای از این رو ما به کسانی از آن ها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم و بسیاری از آن ها فاسقند (۴).

۴. بدعت، افترا بی است بر خداوند متعال خداوند متعال مشرکان را به خاطر بدعتی که در دین گذاشته و آن را به خدا نسبت می دهند، به سختی نکوهش کرده و می فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رَّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ءَلِلَّهِ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» (۵)؛ شما که بخشی از ارزاق خدادادی را حلال و بخشی دیگر را حرام کرده و آن را به خدا نسبت می دهید، آیا خدا به شما این چنین اجازه ای داده و یا به خدا افترا می بندید؟

۵. بدعت، دروغ بستن به خداوند است:

و در آیه دیگر تأکید نموده و می فرماید:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لَّيَنْفَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْلِحُونَ» (۶)؛ این سخنان دروغ که به زبان جاری می سازید و می گوئید این حلال و این حرام است، تا به خدا به دروغ افترا می بندید، به یقین آنان که به خدا افترا می بندند، راه رستگار نخواهند شد.

۴-۲-۴- بدعت در روایات:

غالباً در مقابل شریعت و سنت به کار رفته است و مقصود از آن، انجام دادن کاری است که برخلاف شریعت اسلام و سنت نبوی است.

امام علی (ع) فرموده است:

«إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ مَتَّبِعِ شَرْعَهُ وَ مَبْتَدِعِ بَدْعَهُ»

افراد دو گونه اند: یا پیرو شریعتند، یا بدعت گذار در دین. (شریف ارضی، ۱۷۶: ۱۳۷۹)

در جای دیگر امام علی (ع) درباره نبوت فرموده است:

«أُظْهِرَ بِالشَّرَائِعِ المَجْعُولَةِ، وَقَمَعَ بِالبَدْعِ المدخولَةِ» (شریف ارضی، ۱۶۱: ۱۳۷۹)

خداوند به واسطه پیامبر (ص) شریعت هایی را که فراموش شده بود و مردم از آنها آگاهی نداشتند، آشکار ساخت، و بدعت هایی را که اهل بدعت در ادیان پیشین وارد کرده بودند ریشه کن ساخت.

پیامبر (ص) فرمودند: «ما أحدثت بدعه إلا ترک بها سنة» (هیچ بدعتی حادث نشد مگر اینکه به سبب آن سنتی ترک گردید).

۴-۲-۵- شرایط بروز بدعت:

از مسائلی که بدعت را به همراه می آورد، راههای ظاهر شدن بدعت، وجود زمینه ها و شرایط آن است که با این زمینه ها و شرایط، می توان ورود بعضی از احکام دینی و فقهی را بدعت قلمداد کرد که در چند مورد ذیل می توان عنوان کرد:

۱- تصرف کردن در شریعت، کم و زیاد کردن قانون خدا.

۲- نسبت دادن چیزی به شریعت، درحالی که در شریعت ریشه و دلیلی به صورت عام و خاص وجود نداشته باشد.

۳- قانونی را برخلاف اسلام تصویب کردن و در میان مردم اشاعه و پراکندن آن را به اسلام نسبت دادن است. با این سه شرط، هر عملی که چنین باشد بدعت در دین است. (حرعاملی، ۲۵۵: ۱۴۰۹)

۴-۲-۶- اقسام بدعت:

احکام خمسه

تقسیم بندی فقهی دیگر نیز از بدعت بیان شده است که عده ای براساس احکام پنج گانه شریعت بدعت را بر پنج دسته تقسیم کرده اند: بدعت های واجب، مستحب، مکروه، حرام و بدعت مباح. نخستین کسی که این تقسیم را مطرح کرد «ابن عبدالسلام» بود که بدعت را براساس احکام خمسه فقهی تقسیم کرد. به عنوان نمونه ساختن مدرسه و نماز تراویح از بدعت های مستحب و ... (قرضاوی، ۲۵: ۱۳۸۸)

بدعت ترکی و فعلی

بدعت اصطلاحی را به دو قسم بدعت فعلی و بدعت ترکی تقسیم کرده اند: (رضوانی، ۱۰۸: ۱۳۸۰)

بدعت ترکی: خداوند متعال می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا^۱»

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حدّ، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی دارد. و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! بدعت فعلی: خداوند متعال می فرماید: «... وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ...»^۲
... و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم...

۴-۲-۷- پیامدهای بدعت:

بدعت، آثار و خطرات بسیار ناگواری برای جامعه اسلامی داشته و دارد؛ فتنه ها و آشوبهای زیادی به پا می کند، فرهنگ اصیل اسلام را که بر اساس مصالح مردم پایه گذاری شده است، دگرگون می سازد، مانعی است برای پیشرفت مذهبی و اجتماعی، باعث گمراهی و انحراف انسانها می گردد، زیانهای فکری و روحی غیر قابل جبرانی به خانواده ها می رساند و ممکن است نسلهای بشر را برای همیشه گرفتار نماید

بدعت گذاری در دین آثار و پیامدهای ناگوار فراوانی دارد که در روایت اسلامی به برخی از آنها اشاره شده است که به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم.

۱- بطلان عمل: در روایات آمده است، پیامبر(ص) فرمودند: «عمل قليل في سنة خير من عمل كثير في بدعة»

عمل اندکی که با سنت همراه باشد بهتر است از عمل بسیار که با بدعت باشد.

۲- عدم پذیرش توبه: پیامبر(ص) در این باره می فرمایند: «أبي الله لصاحب البدعة بالتوبة»

خداوند از قبول توبه بدعت گزار ابا دارد.

۳- دوستی با شیطان: پیامبر(ص) می فرمایند: «من عمل في بدع خلاه الشيطان و العباده و القى عليه خشوع و البكاء»

(ری شهری، ۷۰: ۱۳۸۳)

هرکس به بدعتی عمل کند شیطان او را با عبادت (بیهوده) تنها می گذارد و خشوع و گریه را بر او فرو افکند.

^۱ مائده: ۸۸-۸۷.

^۲ حدید: ۲۷.

۴- ترک سنت: در روایتی از پیامبر(ص) آمده است که: «ما احدثت بدعة الا ترک بها سنة» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۱۴۵) هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی شود مگر آن که سنتی ترک گردد.

۵ - شرک: در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «سألت عن ادنی ما یكون به الانسان شرکا. فقال من ابتدع رأیا» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۲۳)

سؤال کردم از کمترین حدی که انسان به وسیله آن مشرک می شود فرمودند: کسی که با رأی خودش بدعت گذارد.

۶- ایجاد فتنه و فساد

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «امت من به هفتاد و سه گروه تقسیم می گردند که فتنه انگیزترین آنان در میان امت اسلام [بدعت گذاران اند و] آن فرقه ای است که بر اساس قیاس عمل نموده، حرام را حلال، و حلال را حرام می کنند.»

و علی (ع) می فرماید: «إِذَا مَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ»

همانا ریشه [فسادها و] فتنه ها [در میان مردم]، تبعیت از خواسته های نفس و بدعتهایی است که بر خلاف قرآن [و احکام الهی] صادر می گردد.»

۷- هلاکت و گمراهی

رسول اکرم (ص) فرمود: «إِيَاكُمْ وَ الْبِدْعَةَ فَإِنَّ كُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» از بدعت گذاری دوری کنید که هر بدعتی باعث گمراهی و ضلالت می شود.» و حضرت علی (ع) در این زمینه فرمود: «همانا خداوند پیامبری راهنما را با کتابی گویا و دستوری استوار بر انگیخت. هلاک نشود، جز کسی که تبهکار است.» آن گاه در ادامه فرمود: «إِنَّ الْمُبْتَدِعَاتِ الْمُسَبَّهَاتِ هُنَّ الْمُهْلِكَاتُ إِلَّا مَا حَفِظَ اللَّهُ مِنْهَا» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۱۶۹)

بدعتها به رنگ حق در آمده و هلاک کننده اند، مگر خداوند ما را از آنها حفظ فرماید.

۸- عذاب دو چندان

رسول اکرم (ص) فرمود: «إِيَاكَ أَنْ تَسَنَّ سُنَّةً بَدْعَةً فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً لِحِقِّهِ وَزُرُّهَا وَ وَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِهَا» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲) از ایجاد روش بدعت پرهیز کن؛ زیرا کسی که سنت بد را پایه گذاری می کند وبال آن سنت بد و گناه کسی که به آن عمل می کند، به گردن اوست.

۵- نتیجه گیری

بدعت حکمی است که به دین افزوده و یا از آن کاسته شود، بدون اینکه مستندی از کتاب یا سنت داشته باشد. خداوند متعال دین خود را کامل و بی هیچ گونه کاستی به آدمیان هدیه فرموده است و جایی برای افزودن یا کاستن در آن نگذاشته است و اعلام فرموده که دین خالص تنها از آن خداست و تنها همان را می پذیرد. با این همه، همواره کسانی بوده اند که آگاهانه یا ناآگاهانه آنچه را در دین نبوده است، به آن نسبت داده اند و در دین بدعت گذاشته اند. بدعت خطرات بسیار ناگواری برای جامعه اسلامی دارد. فتنه ها و آشوبها به پا می کند، فرهنگ اصیل اسلامی را دگرگون می سازد، مانعی برای پیشرفت است و باعث از بین رفتن سنتهای نیکو می باشد. بدعت، زبانهای فکری و روحی غیر قابل جبرانی را بر جامعه تحمیل می کند و ممکن است نسلهای بشر را برای همیشه گرفتار و بی چاره نماید. از این رو، سکوت در مقابل بدعتها گناهی نابخشودنی است.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. بناء، حسن، مجموعه رسائل، دارالدعوة، قاهره
۳. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، مؤسسه آل بیت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق
۴. حنبلی، ابن رجب، جامع العلوم والحکم، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۹ق
۵. رضوانی، علی اصغر، مبانی اعتقادی و هابیت، مسجد مقدس جمکران
۶. ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳
۷. سعدی، عبدالملک، البدعه فی مفهومها الاسلامی الدقیق، دار الایمان، بغداد، ۱۴۱۳ق
۸. شرف، حافظ، عمده القاری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱
۹. شریف الرضی، محمد بن الحسین، مترجم محمد دشتی، نهج البلاغه، مشهور، قم
۱۰. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۲ق
۱۱. علم الهدی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۰۵ق
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۸۳.
۱۳. قرضاوی، یوسف، مترجم محمد ابراهیم ساعدی رودی، سنت و بدعت، حافظ ابرو، مشهد، ۱۳۸۸
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، ولی عصر، تهران، ۱۳۷۵
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق
۱۶. نووی، محی الدین بن الشرف، تهذیب الأسماء واللغات، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۳۰ق

Studying Innovation

Narges Sadat Ayoubnezhad¹, Molod Garmrudi Sabet², Hussein Ahmari³

1. *Student of Islamic Jurisprudence and Education Arshdalhyat Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University of Mashhad*
2. *Assistant Professor, Faculty Islamic Azad University of Mashhad, Faculty of Theology*
3. *Associate Professor, Faculty Islamic Azad University of Mashhad, Faculty of Theology*

Abstract

Legal innovations added to Islam or be diminished without the book or tradition is documented. However, there are always those who consciously or unconsciously what is not religion, and the religion innovations have attributed to it. This article is the subject of innovation and different aspects of it.

Keywords: Innovation, Tradition, Religion
